

Emotional Divorce and Qur'anic Strategies to Prevent It

Mohammad Sadeqh Yusefi Moghadam¹
Leyla Dindost Sarkhabi²

Received: 18/01/2021

Accepted: 20/11/2021

Abstract

Emotional divorce is all about a deep break in intimacy and emotional relationships between spouses. Statistics show that this inauspicious phenomenon is on the rise, which is a warning sign for the health of the community. The importance of studying this issue and the need to deal with preventive solutions has been the motivation for many papers and researches that have tried to solve this problem with a sociological and psychological approach. The distinctive feature of this paper is its different approach to dealing with the phenomenon of emotional divorce. Getting help from the divine words (the Qur'an), as the creator of the spouses, who has built the system of marriage on the basis of "Le Taskunu Ilayha" (that you may take comfort in them) and has been proficient on human instincts and needs, can illuminate the way and clarify all opinions and theories. Accordingly, in this paper, through a descriptive-analytical method, after a brief explanation of the related concepts, the Qur'anic strategies for preventing emotional divorce have been studied.

Keywords

Emotional divorce, solution, prevention, piety, observance of ties of relationship, counseling, equality, Noshouz.

1. Associate Professor and Faculty Member, Islamic Sciences and Culture Academy. Qom. Iran. yusefimoqaddam@isca.ac.ir.

2. Level Four of Islamic Seminary student, Iran, Qom (Corresponding author). Leiladindoost@yahoo.com.

*Yusefi Moghadam, M. S., Dindost Sarkhabi, L. (1400 AP). Emotional divorce and Qur'anic strategies to prevent it. *Journal of Studies of Quranic Sciences*, 3(8), pp. 78-106.

Doi: 10.22081/jqss.2021.59943.1098.

الطلاق العاطفي والحلول القرآنية للوقاية منه

محمد صادق يوسفى مقدّم^١ ليلي دين دوست سرخابي^٢

تاريخ القبول: ١٤٤٣/٤/١٤

تاريخ الاستلام: ١٤٤٢/٠٦/٠٤

الملخص

يؤشر الطلاق العاطفي وجود شرح عميق في العلاقة الحميمة والروابط العاطفية بين الزوجين. وتشير الإحصاءات إلى نمو متزايد لهذه الظاهرة المشؤومة مما يعدّ بمثابة الإنذار على المخاطر التي تهدد سلامة المجتمع. وقد كانت أهمية البحث في هذه المسألة وضرورة السعي لتوفير سبل الوقاية منها حافزاً لكافة العديد من المقالات والتحقيقات الساعية لإيجاد الحلول لهذه المعضلة والتي يمكن استخلاصها من علم الاجتماع وعلم النفس. وما يميّز هذا المقال عن غيره هو مسلكه المختلف في تعامله مع ظاهرة الطلاق العاطفي. فالاستعانة بكلام الله الخالق للزوجين والذي جعل نظام الزواج مبنياً على (لتسكنوا إليها)، والذي هو أعرف من كل أحد بحاجات البشر وغرائزهم الفطرية؛ كل ذلك يمكن أن يرسم معالم الطريق ويفصل الخطاب لكافة الآراء والنظريات. وعلى هذا الأساس فالمقال الحالي - المكتوب بأسلوب توصيفي تحليلي - يبدأ بتوضيحات مختصرة لبعض المفاهيم ذات الصلة بالموضوع، ثم يقوم بعد ذلك بالبحث في الحلول القرآنية الهادفة للوقاية من الطلاق العاطفي.

الكلمات المفتاحية

الطلاق العاطفي، أسلوب الحل، الوقاية، التقوى، صلة الرحم، التشاور، التكافؤ، النشور.

١. أستاذ مساعد وعضو الهيئة العلمية في المعهد العالي للثقافة والمعارف الإسلامية، قم، إيران.

yousefimoqaddam@isca.ac.ir

Leiladindoost@yahoo.com

٢. طالبة السطح الرابع، قم، إيران (الكاتبة المسؤولة).

* يوسفى مقدّم، محمد صادق؛ دين دوست سرخابي، ليلي. (١٤٤٣). الطلاق العاطفي والحلول القرآنية للوقاية منه.

مجلة دراسات في العلوم القرآنية (فصلية علمية - محكمة)، ٣(٨)، صص ٧٨ - ١٠٦.

Doi: 10.22081/JQSS.2021.59943.1098

طلاق عاطفی و راهکارهای قرآنی پیشگیری از آن

لیلا دین دوست سرخابی^۱

محمدصادق یوسفی مقدم^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹

چکیده

طلاق عاطفی حکایت از گسستی عمیق در صمیمیت و روابط عاطفی میان همسران دارد. آمارها حاکی از روند روبه‌رشد این پدیده نامیمون است که زنگ خطر برای سلامت اجتماع به شمار می‌رود. اهمیت بررسی این مسئله و ضرورت پرداختن به راه‌حل‌های پیشگیرانه آن، انگیزه انجام بسیاری از مقالات و تحقیقات بوده است که با رویکردی جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه، در حل این معضل کوشیده‌اند. ویژگی ممیز این نوشتار، رویکرد متفاوت آن در رویارویی با پدیده طلاق عاطفی است. استمداد از کلام الهی، به‌عنوان خالق همسران که نظام زوجیت را بر مبنای «لتسکنوا الیها» بنا نهاده و بیشترین اشراف را بر فطریات و نیازهای بشر دارد، می‌تواند روشنگر راه و فصل الخطاب تمام آرا و نظریات باشد. بر این اساس در این مقاله به روشی توصیفی - تحلیلی پس از بیان کوتاهی از مفاهیم مرتبط، راهکارهای قرآنی پیشگیری از طلاق عاطفی، بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها

طلاق عاطفی، راهکار، پیشگیری، تقوا، صلح رحم، مشورت، کفویت، نشوز.

1. yusefimoqaddam@isca.ac.ir

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. قم. ایران.

2. Leiladindoost@yahoo.com

۲. طلبه سطح چهار، قم، ایران (نویسنده مسئول).

* یوسفی مقدم، محمدصادق؛ دین دوست سرخابی، لیلا. (۱۴۰۰). طلاق عاطفی و راهکارهای قرآنی پیشگیری از آن.

فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۳(۸)، صص ۷۸-۱۰۶. Doi: 10.22081/jqss.2021.59943.1098

مقدمه و طرح مسئله

با ازدواج خانواده تشکیل می‌شود. پس از تشکیل خانواده، گاه عواملی موجب تزلزل نهاد خانواده می‌شوند و هیچ راهی برای حفظ این نهاد باقی نمی‌ماند. اینجا است که طلاق به‌عنوان واقعیتی تلخ و نکوهیده‌ترین حلال نزد خدا، این پیوند مقدس را از هم می‌گسلد. واقعیتی رو به گسترش، نشان می‌دهد در بسیاری موارد، زوجین ناسازگار، به دلیل عوامل مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی و... امکان طلاق ندارند یا به هر دلیل ترجیح می‌دهند زندگی ناسازگارشان را ادامه دهند. در این حالت، خانواده به جای آنکه کانونی باطراوت و شاد باشد، به محیطی آشفته و رنج‌آور بدل می‌شود و روندی فرسایشی را طی می‌کند. مشاجرات کلامی و درگیری‌های لفظی و حتی فیزیکی که در ابتدا به امید ایجاد تغییر در طرف مقابل رخ می‌داد، کم‌کم جای خود را به ناامیدی، سردی و بی‌توجهی می‌دهد. سکوت‌های دراز مدت و فاصله‌های عاطفی و جسمی، حکایت از وقوع یک طلاق خاموش دارند. در این حالت، بود و نبود یکی برای دیگری فرقی ندارد و طرفین برای هم، حکم یک همخانه را دارند نه همسر. طلاق عاطفی به شکل امروزی همان «بسوز و بساز» قدیم است که مشکلات فردی و اجتماعی فراوانی را پدید آورده است؛ بنابراین مقابله با آن، امری ضروری است.

در این نوشتار بر آنیم تا از زاویه‌ای نو، راهکارهای پیشگیری از این پدیده نامبارک را از قرآن کریم بیرون آوریم؛ چراکه بر این باوریم در دنیایی که بشر برای حل مشکلاتش، حیرت‌زده و سرگردان به هر سو چنگ می‌زند، کتاب الهی چونان رود هدایت در تمام قرون و اعصار جاری است و پناهگاهی مستحکم برای پناهجویان است. عواملی که در زندگی زناشویی باعث اختلاف و در نتیجه طلاق می‌شوند، در مواردی که به هر دلیلی امکان طلاق رسمی وجود ندارد، باعث شکل‌گیری طلاق عاطفی می‌شوند؛ از این رو می‌توان برای طلاق رسمی و طلاق عاطفی، عوامل مشترکی قائل شد و به راهکارهای قرآنی به‌عنوان اصول اساسی در پیشگیری از انواع طلاق توجه کرد و قبل از ورود به وادی بی‌مهری، مشکلات را مرتفع ساخت.

پیشینه

به رغم اینکه طلاق عاطفی موضوع جدیدی است، درباره آن، مقالات فراوانی نوشته‌اند. بیش از هفتاد مقاله درباره این موضوع نوشته شده است، از قبیل: «عوامل اثرگذار بر طلاق عاطفی و دلزدگی زناشویی زوجین» نوشته فاطمه علیزاده نوق بهرمان (رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۳)؛ «مطالعه جامعه‌شناختی فرایندهای وقوع طلاق» نوشته مجید فولادیان و مینا شجاعی قلعه‌نی (خانواده‌پژوهی، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۶۲)؛ «فرا تحلیل مطالعات انجام‌شده پیرامون عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در جامعه ایران» نویسنده محسن نیازی و هادی افرا و سمیه میری (تغییرات اجتماعی - فرهنگی، بهار ۱۳۹۹، سال هفدهم، شماره ۶۴)؛ «بررسی عوامل برون‌فردی مؤثر بر طلاق عاطفی در میان زنان» نوشته خسرو رشید و فضل‌الله حسنونند و عابده رشتی (مطالعات زن و خانواده، بهار و تابستان ۱۳۹۸، دوره هفتم - شماره ۱).

۱. مفاهیم

۱-۱. طلاق

طلاق واژه‌ای عربی و به معنای رها کردن از قید و وثاق است و در مورد نکاح، به معنای خارج کردن زن از قید نکاح (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۵۲۳) و بینونت و جدایی میان زن و شوهر است (ابن‌منظور، ۱۴۲۶ق، ص ۲۴۰۴).

۲-۱. طلاق عاطفی

طلاق به دو دسته طلاق آشکار و طلاق پنهان تقسیم می‌شود. طلاق آشکار طلاق‌ای است که زوجین به‌طور رسمی از یکدیگر جدا می‌شوند و طلاق پنهان، طلاق‌ای است که از همه نظر، ویژگی‌های طلاق آشکار را دارد، ولی به دلیل وجود موانع فرهنگی، ارزشی، معنوی، موقعیتی و... آشکار نمی‌شود. این‌گونه طلاق‌ها بدون ابطال سند ازدواج اتفاق می‌افتند. در این نوع طلاق، زوجین فقط زیر یک سقف زندگی می‌کنند و دیگر

ارتباطات آنها به طور کامل قطع می‌شود یا بدون میل و رضایت است (پروین ستار و دیگران، ۱۳۹۱). به این نوع طلاق، «طلاق خاموش»، «طلاق روانی» و «طلاق عاطفی» و به زندگی این چنینی، «زندگی خاموش» گفته می‌شود (بخارایی، ۱۳۸۶، ص ۴۳). این پدیده‌ی تلخ، تبیین‌کننده رابطه‌ای است که در آن، صمیمیت و همدلی، جای خود را به روابط سرد و خنثی می‌دهد و همسران زیر یک سقف، فقط کنار هم هستند؛ اما با هم زندگی نمی‌کنند. ممکن است آنان در محیط‌های اجتماعی، خوب و صمیمی به نظر برسند؛ ولی در خلوت، قادر به تحمل یکدیگر نیستند (تبریزی و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱).

روند شکل‌گیری طلاق عاطفی غالباً از یک دوره طولانی کشمکش بی‌نتیجه گذر می‌کند و به وضعیت بی‌تفاوتی می‌رسد، به طوری که بود و نبود یکی برای دیگری فرقی ندارد. طلاق عاطفی، نخستین و مهم‌ترین مرحله طلاق است. این نوع طلاق از زمانی آغاز می‌شود که زن و شوهر، شروع به فاصله گرفتن از یکدیگر می‌کنند (بخارایی، ۱۳۸۶، ص ۶۱). آنچه امروزه این مسئله را پرننگ و نیازمند چاره‌اندیشی کرده، فراگیر شدن و تبعات زیانبار آن است که در مواردی می‌تواند بیش از طلاق رسمی آسیب‌زا باشد.

۳-۱. راهکار

واژه راهکار کلمه‌ای ترکیبی است از دو واژه راه و کار، به معنای راه‌حل پاسخ، شیوه و روش حل مسائل است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۳۵۷۲). این واژه برابر واژه فرانسوی مکانیزم (mekanizam) است (پرتو، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۹۱۸).

واژه راهکار از سازه‌های جدید زبان فارسی است و برای همسان‌سازی زبان فارسی با دیگر زبان‌ها به دایره لغات فارسی افزوده شده است؛ از این رو در لغت‌نامه‌های نظیر فرهنگ دهخدا، عمید و معین وجود ندارد.

۲. راهکارهای قرآنی پیشگیری از طلاق عاطفی

قرآن کریم کتاب راهنمای زندگی بشر در همه زمان‌ها و مکان‌ها است. هر جا مشکلات، زندگی بشر را سخت و پیچیده می‌کند و مسیر کمال او را می‌بندد، خلأ اعتماد و توجه

به کلام نورانی وحی، به شدت احساس می‌شود؛ چراکه قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا؛ هر کس از هدایت من، روی بگرداند، برای او زندگی تنگ و سختی خواهد بود» (طه، ۱۲۴).

تقدّس نظام خانواده و نقش انسان‌ساز آن، باعث شده است در تیررس حیل‌های شیاطین قرار گیرد. اساسی‌ترین راه برای حفظ آن، تمسّک به دستورهای الهی است.

۲-۱. تقوا

نقش تقوا، به‌عنوان پیش‌درآمد همه آموزه‌های قرآنی، در پیشگیری از مشکلات خانواده نظیر طلاق عاطفی انکارناشدنی است. رعایت تقوا از پیش از ازدواج و خواستگاری شروع می‌شود و تا تشکیل خانواده و زندگی مشترک ادامه دارد. تحقیقات میدانی نشان می‌دهد داشتن تقوا، موجب حفظ حریم خانواده می‌شود. برای نمونه در استان یزد که نسبت به بقیه شهرها آمار طلاق رسمی و عاطفی کم‌تری دارد، نخستین ملاکی که خانواده دختر و دختر برای انتخاب همسر در نظر دارد، ایمان و تقوا است و اعتقاد راسخ دارند که انسان خداشناس پایه‌های خانواده را با ایمان خود محکم نگاه می‌دارد (فاتحی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۴). اجرای دستورهای مذهبی و پایبندی به تقوا که به دنبال آن عمل فرد اصلاح می‌شود، سبب تبعیت همسران از اندیشه و رفتار معقول و انسانی و منصفانه‌تر شدن ارتباط آنان با یکدیگر می‌گردد. این امر، عاملی مهم در بقای عاطفه و همدلی خانواده و پیشگیری‌کننده از طلاق عاطفی است.

۲-۱-۱. ارتباط تقوا و عمل صالح

در قرآن کریم، «تقوا» در مقابل «فجور» به کار رفته است: «فَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهَوْنَ أَن يُغْنُوا عَنْهُمْ وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهَوْنَ أَن يُغْنُوا عَنْهُمْ وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهَوْنَ أَن يُغْنُوا عَنْهُمْ» (شمس، ۸). جایی که تقوا نباشد، اعمال صالح رخت برمی‌بندد و جای آن، با بزهکاری و لغزش پر می‌شود؛ از این رو در بسیاری از آیات، ایمان در کنار عمل صالح ذکر شده است. بی‌شک یکی از جاهایی که عمل صالح به‌عنوان میوه تقوا به ثمر می‌نشیند، عرصه روابط بین همسران است. اگر روابط زوجین بر پایه ایمان و تقوا باشد، هیچ‌گاه معضلات

زندگی، از توجه آنان به یکدیگر نمی‌کاهد؛ چراکه در سایه تقوا، با یکدیگر به مصاف ناملايمات می‌روند. در چنین خانواده‌ای، شیطان در وسوسه و ایجاد شکاف بی‌مهری، بی‌توجهی و پاشیدن بذر طلاق عاطفی موفق نمی‌شود.

۲-۱-۲. تقوا، عامل خودسازی و تکامل

تقوا تنها نکته امتیازبخش انسان‌ها نزد خدا (حجرات، ۱۳) و الهام‌بخش انتخاب‌های تعیین‌کننده آنان در زندگی است. کسی که در سایه تقوا به شخصیتی مستحکم رسیده و تکلیف خود را با زندگی روشن ساخته است، در زندگی مشترک هدف معلومی دارد. چنین شخصی وظایف و خواسته‌های خود و شریک زندگی‌اش را می‌شناسد و نگاهش به خانواده، نگاهی همراه با تقدس و احترام است؛ از این رو درخت زندگی‌اش با هر بادی نمی‌لرزد و ناملايمات او را از پای در نمی‌آورد.

۲-۱-۳. تقوا راه رسیدن به حیات طیبه

«حیات طیبه»، حیاتی مقارن با قناعت و رضا به قسمت خدای سبحان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۹۴) و مراد از آن، روشن‌بینی، رضا به قضای الهی و سعه صدری است که همه پیشامدها در مقابلش، سهل است. حیات طیبه مخصوص آخرت نیست، بلکه در دنیا نیز نمود دارد (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۴۹۶). این امر از بررسی مصادیق آن در قرآن کریم مانند ذریه طیبه (آل‌عمران، ۳۸)، سرزمین طیب (اعراف، ۵۸؛ سبا، ۱۵)، کلمه طیبه که انسان را به راه پسندیده هدایت می‌کند (حج، ۲۴)، اموال طیب (نساء، ۲)، همسران طیب (نور، ۲۶) و... فهمیده می‌شود.

مأموریت ما در دنیا رسیدن به حیات طیبه است. قرآن می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ از مرد و زن هرکس کار شایسته‌ای انجام دهد، درحالی که مؤمن است، مسلماً او را به زندگی طیب و پاکیزه‌ای زنده می‌داریم و پاداششان را بر پایه بهترین عملی که انجام می‌داده‌اند می‌دهیم» (نحل، ۹۷). راه رسیدن به حیات طیبه از مسیر تقوا و بازتاب

عملی آن که انجام عمل صالح است، می‌گذرد. هر قدر انسان‌ها از درجات حیات طیبه برخوردار باشند، از خانواده سالم و برین برخوردار خواهند بود و خانواده‌هایی خواهند بود که افراد آن برای یکدیگر منبع خیرند و از ضرر یکدیگر در امان‌اند (انصاریان، ۱۳۸۶، ص ۴۸). در خانه‌ای که رایحه‌ی خوش حیات طیبه‌ی زوایای آن را پر کرده و گرمی مهر و عطف در دل‌های همسران موج می‌زند، جایی برای سردی‌ها، دل‌مردگی‌ها و طلاق عاطفی باقی نمی‌ماند.

۲-۱-۴. رابطه تقوا و روشن بینی

تقوا صفای روح می‌آورد، تیرگی‌ها و غبارهای تعصب، خودبزرگی‌بینی، کینه و مانند آن را از دل پاک می‌کند، عقل انسان آزاد می‌اندیشد و به روشن بینی او می‌افزاید. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ؛ البته هنگامی که پرهیزکاران گرفتار وسوسه شیطانی شوند، به یاد خدا می‌فتند و ناگهان، بصیر و بینا می‌شوند» (اعراف، ۲۰۱). وقتی دل‌های همسران، به نور تقوا روشن شد، حقایق را خوب تمییز می‌دهند و درست قضاوت می‌کنند؛ زیرا قبل از آنکه به عیوب دیگری پردازند، عیوب خود را از نظر می‌گذرانند و کسی را متهم نمی‌سازند. تقوا نوری است که در کوره‌راه‌های زندگی راه درست‌رهایی و خروج از تنگناها را به افراد می‌نمایاند. بنابر آیه ۲ سوره طلاق، تقوا سبب خروج از غصه‌های دنیا و آخرت، از جمله مشکلات زندگی زوج‌ها (ر.ک: شبر، ۱۴۱۰ق، ص ۵۲۱) و سبب خروج از شبهات دنیا (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۵۶) و راه بیرون رفتن از هر ناراحتی در دنیا و آخرت است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۶۰).

۲-۱-۵. تقوا و تلطیف احساسات

خدای متعال در بیش از سیصد آیه قرآن از تقوا سخن گفته است و این نشان از اهمیت تقوا در زندگی بشر دارد. تقوا کلید حل بسیاری از معضلات است. نژاد و قومیت، شکل ظاهری و... در دایره اختیار و انتخاب ما نیستند؛ اما اینکه تغذیه روح ما با

چه چیزی باشد و عقل و قلب و عواطفمان را چگونه پیرویم، دست خود ما است. شهید مطهری رابط تقوا و لطیف احساسات را به زیبایی بیان می‌کند: «تقوا احساسات را لطیف تر می‌کند. این گونه نیست که انسان با تقوا که خود را از پلیدی‌ها دور نگه داشته، احساساتش با یک فردی که در مادیات و پلیدی‌ها غرق است، یکی باشد. او دنیا را طور دیگری می‌بیند و آن جمال عقلی که در عالم وجود است را بهتر حس می‌کند» (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۳۲، ص ۷۲۱). در پرتو تقوا، فرد از لطف و محبت خدا سرشار است و با شعوری عالی تر از سطح زندگی مادی، این لطف و محبت را بر دیگر بندگان خدا، به خصوص خانواده خود، نثار می‌کند. در این میان، ارتباط با همسر به عنوان شریک زندگی، جایگاهی ویژه دارد که با آبیاری ریشه‌های درخت محبت، از چشمه زلال تقوا، روز به روز مستحکم تر می‌شود و هیچ گاه به خشکی و سردی نمی‌گراید. نمونه‌های عالی از زندگی بزرگان، گواه این مطلب است. روابط گسست‌ناپذیر و مبتنی بر مهر و احترام که از روح بزرگ و سرشار از اطاعت و تقوای الهی این بزرگان بهره گرفته، چنین روابط گرم و مستحکمی را بنیان می‌نهد (ر.ک: تاجدینی، ۱۳۷۵).

۲-۲. روابط مستحکم خانوادگی و صله رحم

انسان موجودی اجتماعی و دارای عواطف است. بخش مهمی از نیازهای عاطفی انسان از طریق روابط با دیگر افراد، پاسخ داده می‌شود. خدای متعال پس از آفرینش حضرت آدم علیه السلام همسری برای او آفرید؛ چرا که زوجیت به شهادت قرآن سبب سکون و آرامش و پاسخ به نیازهای عاطفی بشر است (روم، ۲۱). از آنجا که نیازهای عاطفی و احساسی انسان فراتر از آن است که تنها از طریق زوجیت پاسخ داده شود، رابطه اجتماعی با دیگر افراد به عنوان یک راه مکمل، خودنمایی می‌کند. در این میان، ارتباط خویشاوندی و صله رحم جایگاه قابل توجهی دارد که در آیات قرآن و روایات اهل بیت بسیار مورد تأکید است. آثار و برکات صله رحم بر کسی پوشیده نیست. برخی از این آثار به صورت رابطه علی و معلولی و در نتیجه اثر وضعی و طبیعی به وجود می‌آیند، مانند رفع نیازهای مادی و معنوی، برخورداری از حمایت و حس امنیت و تغذیه

عاطفی و... که در کلمات معصومان آمده است، نظیر فراوانی روزی، طول عمر، حسن خلق، دفع بلا، آبادانی شهرها و... که شاید رابطه تکوینی این موارد با صله رحم به صورت روشن و شفاف، برای ما قابل درک نباشد. آنچه اینجا محل بحث است، ابتدا پرداختن به آیات قرآن در رابطه با صله رحم و سپس استفاده از توصیه این آیات نورانی، در پیشگیری از طلاق‌های عاطفی است.

۲-۲-۱. صله رحم در کلام وحی

قرآن کریم در چندین آیه بر صله رحم تأکید کرده است: «وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ؛ و کسانی که با آنچه خدا دستور داده با آن پیوند شود، می‌پیوندند (پیوند انسان با خدا و رسولان و خویشان و اولی‌الامر و جامعه) و از پروردگارشان می‌هراسند و از سختی محاسبه (در قیامت) می‌ترسند» (رعد، ۲۱). این آیه مطلق است و بر هر پیوندی که خداوند به آن امر فرموده دلالت دارد که از معروف‌ترین مصادیق آن، صله رحم است. طبق این آیه، ترک صله رحم از مصادیق مخالفت با امر خداوند است، و این مخالفت باعث سوء حساب می‌شود و جا دارد مردم از خدا بترسند و آن را ترک نکنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۶۸). چند آیه بعد از این آیه، خداوند، قاطع رحم را به شدت مذمت و لعنت کرده است: «وَ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ؛ و کسانی که پیمان خدای را پس از بستن استوار آن می‌شکنند و آنچه را خدای فرموده است که بی‌بندند می‌زنند و در زمین تباهی می‌کنند، آنان راست لعنت و آنان راست بدی و سختی آن سرای» (رعد، ۲۵). لعنت به معنای دوری از رحمت خدا، خواری و پستی و محرومیت از هر خیر و فضیلت است (مغنیه، بی‌تا، ص ۳۲۵).

نیز خداوند متعال بندگان را به رعایت تقوای الهی در برابر خود و ارحام امر می‌کند: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا؛ و از خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید و از (بریدن و قطع رابطه با) خویشاوندان پروا کنید که همانا خداوند پیوسته بر شما مراقب و نگهبان است» (نساء، ۱). رعایت تقوای الهی در برابر

ارحام رعایت آبرو، شتافتن به دیدار آنان و رفع نواقص زندگی آنان است. امام صادق علیه السلام ذیل آیه گفته شده می فرماید: «این ارحام مردم است که خدای تعالی امر به صله آن فرموده است و آن را بزرگ قرار داده، مگر نمی بینی که خدا آن را در مقابل اطاعت و بندگی خود قرار داده است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۵۰).

خدای متعال در آیه ای دیگر، قطع رحم را مذمت می کند و می فرماید: «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ؟ پس آیا از شما (منافقان و ضعیف ایمانان) جز این متوقع است که اگر از اسلام روی گردانید (یا در اسلام به ولایت و حکومت رسیدید) در روی زمین فساد کنید و خویشاوندی های خود را به کلی قطع نمایید؟!» (محمد، ۲۲). شیخ طوسی در تفسیر آیه گفته است: شما که قطع رحم می کنید و سپس آن را وصل نمی کنید، همانا خدای تعالی شما را بر آن به عذاب ابدی عقوبت کرده و شمارا لعن می کند» (طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۳۰۳). برخی مفسران، قطع رحم را به دیدار نکردن و بی خبری از احوال ارحام و کمک نکردن در رفع احتیاجات آنها، معنا کرده اند (سبزواری، ۱۴۱۹ق، ص ۵۱۴). استفهام مجازی موجود در آیه نشان می دهد برای قاطعان رحم، امید نجاتی نیست. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: «سه گروه اند که هرگز داخل بهشت نمی شوند: شرابخواران، ساحران و قاطعان رحم» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۷۹).

۲-۲-۲. اثرات صله رحم بر سلامت روانی و زندگی همسران

نقش مهم معاشرت و ارتباطات اجتماعی سالم و مؤثر بر سلامت روانی افراد انکارشدنی نیست. روان شناسان معتقدند شخصیت یک فرد زمانی ظاهر می شود که با افراد دیگر در تماس باشد (مقدس پور، ۱۳۵۲، ص ۳۳). در این میان ارتباط با خویشان به دلیل ویژگی های خاص تکوینی و معنوی آن، از آثار والاتری برخوردار است. اصولاً رابطه خویشاوندی، آثاری چون آرامش را به دنبال دارد و قطع آن موجب فقدان سلامت روحی و روانی و افتادن در دام افسردگی است. خداوند در آیه ۲۷ سوره بقره، قاطعان رحم را خسارت زدگان می نامد. از میان رفتن آرامش و سلامت روانی، می تواند بخشی

از این خسران عظیم باشد. ارتباط ارحام، از راه‌های گوناگون ایجاد می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «صله رحم کنید گرچه با سلام کردن باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۵۵). امام صادق علیه السلام نیز درباره نوع برقراری ارتباط می‌فرماید: «پیوند میان برادران آن‌گاه که پیش هم هستند، دیدار همدیگر است و در مسافرت، نامه‌نوشتن به یکدیگر» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۷۰).

ارتباط و حس خوب دلبستگی، پاسخگوی نیازهای عاطفی بشر و راه مؤثری برای دستیابی به سلامت روانی و در نتیجه سلامت جسمی است. آثار این سلامت، تنها بر ارتباطات خویشاوندی متوقف نشده و به تمام عرصه‌های زندگی، از جمله زندگی خانوادگی و روابط با همسر سرایت می‌کند و می‌تواند از بروز ناهنجاری‌هایی نظیر طلاق عاطفی پیشگیری کند. از جمله آثاری که در نتیجه عمل به دستور الهی صله رحم نمایان می‌شود، آرامش و نشاط و دستیابی به مقبولیت است که نقش بسیار مهمی در سلامت ارتباط همسران و زنده نگه‌داشتن پیوند عاطفی میان آنها ایفا می‌کند که در ادامه، بدان می‌پردازیم.

آرامش و نشاط: آثار عمل به دستورهای قرآن به‌عنوان کتاب زندگی، خیلی زود در زندگی انسان پدیدار می‌شود. یکی از دستورهایی که آثار آن زود یاب است، صله رحم است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۵۲). یکی از ثمرات روشن صله رحم ایجاد انبساط و آرامش است؛ چیزی که بشر امروز، بیش از گذشته، بدان نیاز دارد. زندگی امروز، مقرون شتاب‌ها و اضطراب‌ها است. چه بسا افرادی که بعد از مدت‌ها دویدن به سوی خواسته‌ها به خود می‌آیند و می‌بینند نشاط و شادمانی و حتی سلامت جسمی و روانی خود را در کوچه پس‌کوچه‌های روزگار جا گذاشته‌اند. دست محبت بر سر فرزندان خود نکشیده‌اند، ساعاتی را در کنار همسر با نشاط و آرامش، به صحبت و دلجویی نگذرانده و در یک کلام، زندگی را زندگی نکرده‌اند. آفتی که ائمه اطهار علیهم السلام در مورد آن به ما هشدار داده‌اند. امام صادق علیه السلام ذیل آیه ۷۷ سوره قصص (وَلَا تَنْسَ نَصِيكَ مِنْ الدُّنْيَا) می‌فرماید: «سلامتی و قوت بدنی و فراغت و جوانی و نشاط خود را فراموش نکن و با آنها آخرت را به دست آور» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۹۰). نشاط و آرامش روان،

احساسی عمیق است که از طریق تعاملات عاطفی سالم با افراد شناخته شده و مورد اطمینان و محبت قلبی به دست می آید که تمام این ویژگی‌ها را در یک رابطه سالم و پایدار خویشاوندی (صله رحم) می توان یافت. تغذیه روانی عاطفی، اخذ و اعطای سخاوتمندانه تجارب و امکانات و تقویت بنیه حل مشکلات و... به عنوان برخی از آثار مفید صله رحم، سلامت روان و بدن را تأمین می کنند (شرف‌الدین، ۱۳۷۸، ص ۲۸۱) و به انسان، شور و نشاط زندگی می بخشد. شاید حکمت روایات بسیاری که ائمه اطهار علیهم‌السلام در این زمینه برای ما فرموده‌اند، همین باشد که ساعتی از روز را باید به معاشرت با برادران دینی اختصاص داد (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۳۲۱). تحقیقات نشان داده است فرایند توسعه صنعتی موجب بروز انشقاق میان خانواده می شود و علت این تحول، نخست جداساختن خانواده از شبکه خویشاوندی و سپس تقلیل گروه خانگی به خانواده تک هسته‌ای کوچک است (ستار و دیگران، ۱۳۹۱). اگر خانواده‌ها به احیای پیوند مقدس خویشاوندی اهتمام بورزند، به طور طبیعی انبساط خاطر حاصل از این ارتباط، به زندگی منتقل می شود و در بسیاری از موارد، ناملايمات و معضلات زندگی همسران را تحت الشعاع خود قرار می دهد و از ورود به مراحل مشکل‌زا، نظیر طلاق و بن بست‌های عاطفی، پیشگیری می کند.

مقبولیت و محبوبیت: روان‌شناسان حس مقبولیت و محبوبیت را دو عامل اساسی در پیشرفت انسان و قوام و تعادل روانی عاطفی او می دانند (اکبری، ۱۳۸۸، ص ۳۵). کانون خانواده و جمع خویشان نخستین جامعه‌ای است که در آن، خودانگاره فرد، شکل می گیرد؛ بنابراین می توان گفت اصلی‌ترین جامعه‌ای که می تواند این نیاز را برآورده سازد، خانواده و خویشان اویند. ثبات و تعادل حاصل از حس پذیرش، ذخیره‌ای گرانبها است که فرد، برای تغذیه مراحل بعدی زندگی که مهم‌ترین آنها زندگی مشترک با همسر است، از آن بهره می جوید. در بیشتر مواقع، افرادی که در سایه پذیرش و محبوبیت به تعادل و ثبات شخصیتی رسیده‌اند، در اختلاف با همسر خود، زود به بن بست عاطفی نرسیده و با روانی سالم و خلقی بالا به مصاف مشکلات می روند و اجازه نمی دهند، شکاف طلاق عاطفی، زندگی آنان را از درون تهی سازد. بدیهی است تمامی

این آثار مبارک، زاییده التزام به یک رابطه خوب خویشاوندی و پابندی به اصل صله رحم است.

حس امنیت و حمایت شدن: امنیت و حمایت، آرامش و نشاط می آفریند و بی پشتوانگی، اضطراب و ناآرامی تولید می کند. خویشاندانی که عرق خویشی، آنان را به هم متصل ساخته، از ارتباط با یکدیگر غرق در سرور و شادی می شوند و احساس سبکباری و حمایت می کنند. در آیات و روایات، برای این امر طبعی و قابل شهود، مؤیدات زیادی وجود دارد. خداوند در آیه ۹۱ سوره هود، سخنان قوم شعیب را بیان می کند که به او می گفتند اگر قوم و قبیله ات نبودند، تو را سنگسار می کردیم. برخورداری از امنیت حاصل از حمایت خویشان، در طول تاریخ بسیاری از افراد را از مهلکه ها، نجات بخشیده است و نمونه بارز آن، در زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز مشهود است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «قبیله ات را گرامی دارد که ایشان بال تو هستند که با آنها پرواز می کنی و اصل و ریشه تو هستند که بدان باز می گردی و دست و نیروی تو هستند که با آنها به دشمن حمله می کنی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۱۰۵).

افزون بر آن، خانواده های مقید به صله رحم، همان گونه که در عرصه های اجتماعی پشتوانه یکدیگرند، در مشکلات خانوادگی، نقش حمایتگری خود را به خوبی ایفا می کنند و اجازه نمی دهند، زندگی یکی از اقوامشان، دستخوش گرداب طلاق عاطفی گردد.

۲-۳. رعایت اصل مشورت

از اصولی که در آموزه های دینی بسیار بر آن تأکید شده، اصل مشورت با دیگران است و قرآن کریم به آن سفارش کرده است (ر.ک: شوری، ۳۸؛ آل عمران، ۱۵۹؛ بقره، ۲۳۳). به جهت اهمیت مشورت، یک سوره از قرآن به نام «شوری» است (معرفت، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۴۳). انسان در تعاملات اجتماعی یا امور شخصی، نیازمند شناخت راه از چاه است که جز با استفاده از آرا و تجارب دیگران حاصل نمی شود. امیرالمؤمنین علیه السلام مشورت را شراکت در عقل های مردم معرفی می کند و استبداد رأی را سبب هلاک و ناکامی می شمارد (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱).

۲-۳-۱. مشورت در زندگی همسران

خداوند در قرآن، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به مشورت امر می‌کند: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران، ۱۵۹). سیره حضرات معصوم عليهم السلام حاکی از مشورت با اطرافیان، در بسیاری از موارد است، با آنکه آنان، افزون بر برخورداری از فکری راسخ، مؤید به تأیید الهی نیز بوده‌اند.

مشورت از شاخص‌های مهم در ایجاد صمیمیت میان زوجین و مؤثر در رشد اقتصادی، شغلی، پیشرفت تحصیلی، تربیت فرزندان و... است (ر.ک: ستار و دیگران، ۱۳۹۱). آمارها بیانگر وجود رابطه‌ای معکوس میان طلاق عاطفی و میزان صمیمیت بین زوجین است، بدین گونه که به هر میزان، صمیمیت همسران بالا رود احتمال ایجاد طلاق عاطفی، کم‌رنگ‌تر خواهد شد (ترکمان و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۴۴). شاید بتوان گفت مردان اقبال کمتری به این اصل دارند. قوت خلصت‌های برتری جویانه و میل به رهبری و نیز کم‌حرفی و گفتگونکردن در مورد احساسات می‌تواند به مشکلات ناشی از عدم ارتباط و عدم مشورت و هماهنگی میان زوجین دامن بزند. اگر مردان، عقاید و احساسات خود را بیشتر بروز دهند، به صمیمیت و همدلی بیشتری دست خواهند یافت (ترکمان و دیگران، ۱۳۹۳). متأسفانه برخی اقشار مذهبی، با دستاویز قراردادن روایات عدم مشورت با زنان، از مشورت با خانواده طفره می‌روند، غافل از آنکه این روایات از سوی بزرگوارانی صادر شده که بهترین همسران در زندگی زناشویی خود بوده‌اند. پیامبر اکرم فرمودند: «بهترین شما بهترین تان در برابر خانواده‌اش است و من بهترین شما در برابر خانواده‌ام هستم» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۴۳). بررسی آن روایات و توجه به جامعه آن روز که بیشتر زنان سررشته‌ای در امور اجتماعی و کارهای بیرون از منزل نداشتند، روشن می‌سازد که مراد مشورت نکردن در اموری است که مربوط به زنان نمی‌شود؛ زیرا روایات به مشورت با زنان در امور مربوط به دخترانشان فرمان می‌دهند. پیامبر اکرم فرمودند: با زنان در امور مربوط به دخترانشان مشورت کنید (پابنده، ۱۳۵۴، ص ۲، ح ۷). این بدان جهت است که انسان عاقل، در هر کاری با متخصص آن مشورت می‌کند؛ از این رو روایات زنانی را که به هر طریق در هر زمینه‌ای، از کمال عقلی برخوردارند، از مشورت نکردن با آنان استثنا کرده

است. حضرت علی می‌فرماید: از مشورت با زنان بهره‌ییز، مگر زنی که کمال عقل او به ثبوت رسیده باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳؛ کراچی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۷۶).

۲-۳-۲. مشاوره با دیگران و حل اختلافات

روشن شد که مشورت نکردن همسران با یکدیگر می‌تواند موجب بروز مشکلات، از جمله طلاق عاطفی گردد. حال اگر خانواده‌ای به هر دلیل، درگیر اختلافات شود و خود قادر به حل مسالمت‌آمیز درگیری‌ها نباشد و به بن‌بست عاطفی برسد، لازم است زوجین از طریق مشورت با دیگران از تجربه و توانایی‌های آنان کمک بگیرند تا زندگی خود را از مهلکه طلاق عاطفی و پس از آن طلاق رسمی نجات دهند.

راهکار قرآن کریم برای رهنیدن خانواده از ناملایمات و بازگرداندن آرامش به این کانون مقدس، مشاوره و محکمه صلح خانوادگی است: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعُثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يَرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا؛ و (شما ای حاکمان شرع، یا ای خردمندان قوم) اگر از اختلاف و کشمکش میان آن دو (زن و شوهر) بیم داشتید، پس داوروری از خانواده مرد و داوروری از خانواده زن برانگیزید که اگر قصد اصلاح داشته باشند، خداوند میان آن دو، سازگاری ایجاد می‌کند که همانا خداوند دانا و آگاه است» (نساء، ۳۵). این راهکار، راهکاری نو و از شاهکارهای اسلام است؛ چراکه امتیازات موجود در آن، در دیگر محاکم و مشاوره‌ها وجود ندارد. محیط خانواده، کانون احساسات و عواطف است و نمی‌توان در آن، با مقیاس خشک قانون و مقررات بی‌روح در دادگاه‌ها گام برداشت (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۷۵). وقتی مشاوران و داوران این محکمه از خویشان باشند، به‌خوبی می‌توانند عواطف را در مسیر اصلاح، تحریک کنند و از بروز انشقاق و طلاق عاطفی و در مرحله بعد، طلاق رسمی جلوگیری کنند. طبیعی است با توجه به اینکه خویشاوندان بیش از دیگران به باطن احوال، روحیات و نظر زوجین آگاهی دارند، نسبت به دیگران، دلسوزتر، خیرخواه‌تر و تأثیرگذارتر خواهند بود (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۰۸).

برخی همسران جوان فکر می‌کنند همه چیز را می‌دانند و نیاز به راهنمایی ندارند و هر گونه خیرخواهی و نصیحت دلسوزانه اطرافیان را بر دخالت در زندگی حمل می‌کنند؛ در نتیجه به دستور قرآن پشت می‌کنند و در امور سخت زندگی تنها می‌مانند. اضطراب ناشی از تنهایی و بی‌پشتوانگی، تعادل فکری را از انسان می‌گیرد و باعث می‌شود مشکلات را بزرگ‌تر از آنچه هست ببینند. این رویه ناسالم، خیلی زود همسران را به عرصه بیچارگی می‌کشاند و رابطه میان آنان را به بن‌بست عاطفی می‌رساند.

۲-۴. کفویت و همسان‌همسری

از ویژگی‌هایی که اسلام برای گزینش همسر لحاظ کرده، کفویت و مشابهت میان همسران است. «کفو» در لغت به معنای هم‌تراز، هم‌سنگ و هم‌سان بودن در منزلت و ارزش است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۱۸). از دیدگاه قرآن کریم هر یک از همسران طیب و خبیث، برای هم و در شأن یکدیگر محسوب شده‌اند (نور، ۲۶). نیز قرآن کریم، ازدواج مسلمان با مشرک را ممنوع اعلام می‌کند (بقره، ۲۲۱)؛ زیرا مسلمان و مشرک هم کفو نیستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هم‌کفوان را به ازدواج هم درآوردید و با هم‌طرازان خود ازدواج کنید و برای نطفه‌هایتان، آنها را برگزینید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۲). از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند با چه کسی ازدواج کنیم، حضرت فرمودند با «اکفاء». پرسیده شد که اکفاء چه کسانی هستند، ایشان فرمودند: مؤمنان کفو یکدیگرند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۷).

بررسی آیات و روایات نشان می‌دهد کفویت در جنبه‌های معنوی، مانند ایمان و اعتقادات و اخلاق مد نظر است و جنبه‌های مادی و ظاهری، از منظر اسلام، تحت‌الشعاع همسانی ایمانی قرار دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد «جویر» جوان سیاه‌پوست و غریب و تهیدستی که بهره‌ای از زیبایی نداشت، وساطت کرد و «زلفا» دختر زیباروی «زیاد بن لبید» را به ازدواج او درآورد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۴۰) و همین روند در ازدواج «زینب بنت جحش» و «زید بن حارثه» اجرا شد.

برخورد ایجابی با برخی جنبه‌های همسان‌همسری نظیر همسانی دینی و اخلاقی و

برخورد سلبی با جنبه‌های دیگر، نظیر همسانی در نژاد و طبقه نشان‌دهنده کوشش قانونگذار اسلام در جهت تغییر نگرش‌های فرهنگی در مورد موضوع همسان‌همسری است (بستان، ۱۳۸۷، ص ۲۰۳). فقه اسلامی برای کفویت، دو مصداق کفویت شرعی و عرفی ذکر می‌کند. کفویت شرعی که در صحت و درستی عقد ازدواج لازم و معتبر است، هم سطحی از نظر ایمان است؛ از این‌رو ازدواج مرد مسلمان با کافر غیر کتابی و نیز زن مسلمان، با هر نوع کافری صحیح نیست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۰، ص ۹۲). به نظر مشهور فقها، ازدواج دائم مرد مسلمان با زن کتابی صحیح نیست (شاه‌رودی و دیگران، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۴۸۴). کفویت عرفی به معنای توافق فکری و فرهنگی و تناسب روحی، اخلاقی و ظاهری است، به گونه‌ای که همسران مکمل یکدیگر باشند نه عین هم.

۲-۴-۱. نقش کفویت در تحکیم روابط همسران

آیه ۲۶ سوره نور، زنان و مردان همسان (خبیثات برای خبیثین و طیبات برای طیبین) را به یکدیگر نسبت داده است (الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ). مفسران این آیه را عام می‌دانند و می‌گویند آیه مقید به سبب نزول نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۹۵). این مسئله به حقیقتی آشکار اشاره دارد و آن اینکه، برای شکل‌دهی به نهاد مقدس خانواده، باید از ابتدا پایه‌هایی استوار، مبتنی بر بیشترین وفاق و کفویت تعبیه کرد تا این‌کانون مستحکم، به راحتی دست‌خوش آفات نظیر سردی عواطف نگردد. تحقیقات حاکی از آن است که کفویت، تأمین‌کننده نیازهای مختلف همسران در زندگی است (روشنی و دیگران، ۱۳۹۴) و بین میزان همسانی و اشتراکات زوجین قبل از ازدواج و طلاق عاطفی، رابطه معکوس وجود دارد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: ستار و دیگران، ۱۳۹۱). بر اساس نظریه تشابه، هر قدر همسانی و اشتراک میان اشخاص، در فراگرد ارتباطی وجود داشته باشد، به همان میزان، اثربخشی ارتباط بیشتر خواهد بود؛ به عبارت دیگر ما اشخاصی را بیشتر دوست داریم که باورها و نگرش‌ها، سطح اقتصادی، مذهب، سن، پایگاه اجتماعی و... در آنها با ما همسان باشد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: ترکمان و دیگران، ۱۳۹۳).

می‌توان گفت میان برداشت ما از قرآن و سنت با دیدگاه جامعه‌شناسان و آمارها، تقابلی وجود ندارد. آنچه را که شرع مقدس اصل و مبنا قرار داده - که همان دینداری و اخلاق است - ریشه و اصل و مهم‌ترین عامل، در استحکام‌بخشی به خانواده است. عنصر ایمان و تقوا، اکسیری است که فاصله‌های طبقاتی و قراردادهای مادی را در هم می‌شکند. هرچند تحولات فرهنگی اجتماعی، در جوامع و در برخی موارد، کمرنگ شدن توجه به معنویات، رسیدن به قله خوشبختی را برای همسران، سخت‌تر ساخته و آنان را نیازمند تشابهات و اشتراکات بیشتری می‌سازد. رعایت اصل کفویت و همسان‌همسری، در هریک از معانی و در هر کدام از مقیاس‌ها که باشد، می‌تواند مانع از بروز اختلاف و سبب انسجام ساختاری و عاطفی خانواده شود و از وقوع فاصله و طلاق عاطفی میان آنان، پیشگیری کند.

۲-۵. رعایت حقوق یکدیگر و پرهیز از نشوز

یکی از اموری که قرآن کریم برای بهتر و لطیف‌تر کردن رابطه همسران بدان پرداخته، جلوگیری از «نشوز» است. «نشوز» از ماده «نشز» به معنای زمین مرتفع است و کاربرد آن در زندگی زناشویی در معنای طغیان و نافرمانی است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۸۰۶). از نظر فقهی، سرکشی هریک از زن و مرد از فرمان دیگری در اموری است که اطاعت دیگری در آن، واجب است. اگر زن و مرد، هر دو از انجام وظایف خود سر باز زنند، «شقاق» رخ می‌دهد (خمینی، بی‌تا، ج ۲، صص ۳۰۳ و ۳۰۶). در فرهنگ قرآن، زن و شوهر نسبت به دیگران، بیشترین نزدیکی و صمیمیت را دارند؛ تا آنجا که از آنان به‌عنوان «لباس یکدیگر»، یاد شده است: «هِنَّ لِبَاسٌ لِّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لِّهِنَّ؛ زنان لباس شما و شما لباس آنانید» (بقره، ۱۸۷). نظر به فرمان الهی به رعایت حقوق یکدیگر، در کنار تشبیه رسا و زیبای قرآن، ما را به این نکته می‌رساند که این میزان از ارتباط و صمیمیت است که تکالیف عظیمی را بر دوش هریک از طرفین می‌گذارد. تکالیفی که رعایت آنها، راه ورود هرگونه سردی و بی‌عاطفگی را به زندگی مسدود

می‌کند. بی‌تردید چنین دیدگاهی در میان آموزه‌های دیگر مکاتب و یافته‌های علمی بی‌همتا است.

۲-۵-۱. نشوز در آیات قرآن

آیه ۳۴ سوره نساء از نشوز زن سخن گفته است: «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا؛ و زنانی که از نافرمانی آنها (نسبت به مسائل معاشرت) می‌ترسید (نخست) آنها را موعظه کنید و (بعد) در خوابگاه از آنها دوری نمایید و (اگر سود نبخشید، در محدوده دستور شرع) آنها را بزنید، پس اگر از شما اطاعت نمودند، دیگر بر (آزار) آنها راهی نجوید». در آیه ۱۲۸ سوره نساء نشوز مردان مطرح شده است: «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا؛ و اگر زنی از سرکشی یا اعراض شوی خود بترسد، بر آن دو گناهی نیست که به نوعی در میان خودشان (هرچند به گذشت از پاره‌ای از حقوقشان) صلح و آشتی نمایند، و صلح (ذاتا) بهتر است و (البته) بخل و تنگ‌چشمی طبعاً ملازم نفوس گردیده است (گذشت از حق بر آنها سخت است) و اگر نیکویی کنید و تقوا ورزید حتماً خداوند به آنچه می‌کنید، آگاه است». بنابراین قرآن کریم نحوه مواجهه با هر یک از موارد نشوز را تشریح کرده است. نشوز زن، به عدم اطاعت از شوهر، در خروج از منزل و عدم تمکین جنسی محقق می‌شود و نشوز مرد به عدم مراعات حق قسَم و هم‌خوابی و عدم پرداخت نفقه است. واقعیت آن است که موارد مطرح‌شده، سرسلسله مصادیق فراوان دیگری است که هر کدام به تنهایی می‌توانند عاملی برای سردی و بی‌علاقگی باشند؛ مثلاً اگر زن به نظافت و تمیزی خود اهمیت ندهد و امور ناپسندی را که با کامیابی جنسی شوهر از زن منافات دارد، از خود دور نسازد یا با وجود درخواست شوهر، از آرایش خودداری کند، نشوز تحقق یافته است (خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۴). علاوه بر مصادیقی که به‌طور مستقیم با مسئله نشوز در ارتباط‌اند، موارد دیگری نیز وجود دارد که به‌عنوان پیش‌زمینه و انگیزه نشوز، خودنمایی

می‌کنند. می‌توان گفت در پس پرده هریک از این رفتارهای نابهنجار، پشت کردن به یکی از دستوره‌های قرآن وجود دارد که به مهم‌ترین این موارد اشاره می‌کنیم.

۲-۵-۱. عدم پذیرش قوامیت مرد

طبق آیه ۳۴ سوره نساء، مردان قوام بر زنان هستند (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ). واژه «قوام» مشتق از قیام، به معنای اداره امور زندگی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۱۵). گاهی نشوز و در پی آن اختلافات، بر اثر میل زنان به فرمانروایی و نپذیرفتن نقش قوامیت مرد ایجاد می‌شود. تحقیقات نشان‌دهنده وجود رابطه بین ساختار قدرت در خانواده و طلاق عاطفی است (ستار و دیگران، ۱۳۹۱)؛ به عبارت دیگر وابستگی زن به شوهر و پذیرش قوامیت او، از عوامل مؤثر در پیشگیری از طلاق عاطفی است. در چنین خانواده‌هایی، پدر در بین اعضا حرمت و اقتدار خاصی دارد و زن از نظر عاطفی وابستگی شدیدی به او دارد (فاتحی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۴). این امر به هیچ وجه نشانه کمال و برتری ذاتی مرد و احترام‌نداشتن دیگر اعضای خانواده نیست، بلکه این جایگاه مدیریتی است که رعایت اصول و آداب خاصی را می‌طلبد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۳۹۱). در سایه احترام مرد و پذیرش قوامیت و رهبری او، پایه‌های زندگی مستحکم می‌گردد، به گونه‌ای که افراد خانواده به مشکلات، اجازه نفوذ به فضای گرم و صمیمی خانواده را نمی‌دهند و نمی‌گذارند این حصن عشق و عاطفه در هم بشکند.

۲-۵-۲. عصیان و عدم مسئولیت‌پذیری مرد

قوامیت امری طرفینی است؛ بدین معنا که باید از طرف مرد اعمال، و از سوی زن و دیگر اعضای خانواده پذیرفته شود. قوامیت لازمه مدیریت اجرایی مرد در زندگی زناشویی است؛ از این رو بیش از آنکه افضلیت تلقی شود، تکلیف و وظیفه است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۳۹۱). اگر مرد از انجام این وظیفه سرباز زند و به تأمین نیازهای خانواده بی‌توجه باشد، خیلی زود روابط رو به سردی می‌نهد و آرامش جای خود را به اختلاف و درگیری خواهد داد. این امر به تدریج خستگی و دلزدگی می‌آفریند و اگر به هر دلیل

منجر به طلاق رسمی نشود، طلاق عاطفی و بی تفاوتی از آثار حتمی آن است؛ چنان که پژوهش‌های انجام‌شده، این پدیده نامبارک را حکایت کرده‌اند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: ستار و دیگران، ۱۳۹۱).

۲-۵-۱-۳. بی‌توجهی به وظایف جنسی

قرآن کریم به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، از غریزه جنسی و نحوه پاسخگویی بدان سخن گفته و میل به زنان را یکی از خواستنی‌ها و غرایز دنیایی معرفی کرده است: «رُیِّنَ لِلنَّائِبِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ» (آل‌عمران، ۱۴). نیز در آیه ۲۲۳ سوره بقره می‌فرماید: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ؛ زنان شما محل بدرافشانی و کشتزارهای شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید می‌توانید با آنها آمیزش کنید». این آیه علاوه بر تشبیه وجود زنان در امر پرورش فرزند، به کشتزار و محل رویش گل و گیاه، به‌طور غیرمستقیم به تمتعات جنسی نیز اشاره دارد. وجود این ویژگی، وظایفی را برای مرد و زن می‌آفریند که بی‌توجهی به آن از مصادیق بارز نشوز محسوب می‌شود. اهمیت این مسئله آنجا خودنمایی می‌کند که در آیه ۵۸ سوره نور، سه زمان در شبانه‌روز را به‌عنوان ساعات خلوت زوجین معرفی می‌کند و آداب اذن‌گرفتن برای ورود به این حریم را بیان کرده است؛ چراکه برای رسیدن به آرامش معهود (لتسکنوا الیها) نیاز است که همسران ساعاتی از شبانه‌روز را به همدیگر اختصاص دهند و کنار هم باشند. هدف از این وقت‌گذاری فقط برقراری ارتباط خاص نیست، بلکه وظایف و نیاز همسران به هم، دایره گسترده‌ای دارد و شامل دیگر تعاملات عاطفی و تمتعات حلال می‌شود که اهمیت آن، از منظر روان‌شناسی نیز به اثبات رسیده است.

در این راستا، بی‌توجهی به آراستگی و نظافت ظاهری یا رفتارهایی که نشان بی‌مهری و بی‌علاقگی باشد، مصداق بارز نشوز است و به‌مرور زمان، اختلافات و سردی‌ها را به دنبال خود می‌آورد. کم‌نیستند خانواده‌هایی که به سبب توجه‌نکردن به این مهم، از هم پاشیده‌اند و اگر به هر دلیل امکان طلاق رسمی وجود نداشته باشد، همسرانی که از کنار هم‌بودن حس لذت و آرامش ندارند، مانند دو مجسمه یخی، روزگار می‌گذرانند و

طلاق عاطفی، واژه‌ای قاصر، برای به تصویر کشیدن چنین زندگی نامطلوبی است.

۲-۵-۱-۴. عدم رعایت شئون ظاهری شرعی

از دیگر موارد مولد نشوز که نمود بیشتری به سمت زنان دارد، رعایت نکردن شئون ظاهری مطابق با شرع و اخلاق است که متأسفانه امروزه، تحت تأثیر تبلیغات منفی و جو نامناسب ناشی از فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای شکل گرفته است. این رفتار نابهنجار، در تقابل مستقیم با صفت ذاتی غیرت در مردان، قرار دارد. در مدح صفت غیرت، روایات بسیاری وارد شده است. امام صادق می‌فرماید: خدای تعالی غیور است و غیوران را دوست دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳۵). غیرت، لازمه نقش مدیریتی مردان در خانواده است و صفتی است که همچون پاسبان، از نوامیس حفاظت می‌کند و موجب ثبات خانواده و حفظ سلامت اجتماعی می‌گردد. افزون بر آن، بنا به فرموده امیر مومنان علیه السلام: پاکدامنی مرد به اندازه غیرت او است (نهج البلاغه، کلمه ۴۷). وقتی صفتی در مرد به مرحله ظهور رسید، با رفتار خلاف شرع و نگاه آلوده، به نوامیس دیگران قابل جمع نیست. اگر زنی بدون توجه به ندای درونی عفاف و حیا و با پشت کردن به دستورهای قرآن که به عفاف و حجاب فرمان می‌دهند، در مقابل غیرت مردانه همسرش، قد علم کند و با بی‌توجهی به خواست او، با پوشش نامناسب در مجامع عمومی و در برابر نامحرمان حاضر شود یا برای خروج از منزل و دیگر موارد مشروط به اذن همسر، با بی‌توجهی، به سلیقه شخصی خود عمل کند، قدم در کوره راه پرخطر نشوز گذاشته و پایه‌های عاطفه و محبت را سست و لرزان ساخته است.

سرنوشت غالب چنین زندگی‌هایی، طلاق رسمی و انفکاک کامل است؛ اما برخی افراد که روحيات آنها به راحتی پذیرای انفکاک نیست یا به دلیل شرایط خانوادگی و اجتماعی، تحمل و ادامه زندگی را می‌پذیرند و گسست و طلاق عاطفی شدیدی را تجربه می‌کنند. کانون پرمهری که می‌تواند با رعایت دستورهای قرآنی، منشأ رشد و بالندگی باشد، با پشت کردن به آموزه‌های نورانی وحی، به جهنم سوزان طلاق عاطفی تبدیل می‌شود که هیزم آن، عمر و سرمایه بازگشت‌ناپذیر جوانی است.

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که بیان شد از قرآن کریم راهکارهای ذیل برای پیشگیری از طلاق عاطفی برداشت می شود:

۱. رعایت کفوبودن همسران پیش از ازدواج، موجب استحکام رابطه همسران از همان ابتدا می شود و عاملی مهم در جهت پیشگیری از معضلاتی نظیر طلاق عاطفی است.

۲. رعایت تقوا موجب اصلاح رفتار و عمل و در نتیجه رسیدن به حیات طیبه می شود.

۳. هریک از همسران در برابر یکدیگر حقوق و وظایفی دارند. رعایت این حقوق متقابل راهی برای پیشگیری از طلاق عاطفی است.

۴. صله رحم و داشتن روابط مستحکم خانوادگی موجب آرامش، امنیت، حمایت و حل مشکلات در مواقع نیاز و پیشگیری از طلاق عاطفی می شود.

۵. رعایت اصل مشورت و مراجعه به مشاور در زمان مناسب، موجب پیش نیامدن مشکلات خانوادگی و پیشگیری از سردی رابطه ها و طلاق عاطفی می شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. ابن منظور، محمد. (۱۴۲۶ق). لسان العرب. بیروت: موسسه اعلمی.
۲. اکبری، محمود. (۱۳۸۸). مهارت‌های زندگی. قم: نشر فتیان.
۳. انصاریان، حسین. (۱۳۸۶). نظام خانواده در اسلام (چاپ بیست و ششم). قم: ام ابیها.
۴. انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
۵. بخارایی، احمد. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران. تهران: پژوهشگاه جامعه.
۶. بستان (نجفی). حسین. (۱۳۸۷). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۰۱

۷. پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۵۴). نهج الفصاحه (چاپ نهم). تهران: جاویدان.

۸. پرتو، ابوالقاسم. (۱۳۷۷). واژه‌یاب: فرهنگ برابره‌های پارسی واژگان بیگانه. تهران: اساطیر.

۹. تاج‌دینی، علی. (۱۳۷۵). یادها و یادگارها حکایاتی از علامه طباطبایی. تهران: پیام نور.

۱۰. تبریزی، مصطفی. (۱۳۸۵). فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده درمانی. تهران: فراروان.

۱۱. ترکمان، فرح؛ اسکافی، مریم؛ عیدگاهیان، ندا و سهرابی، ایرج. (۱۳۹۳). همگنی صمیمیت

و طلاق عاطفی با استفاده از نرم افزار تحلیل شبکه. مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، (۲۱)،

صص ۲۵-۵۰.

۱۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). زن در آینه جلال و جمال. قم: دارالهدی.

۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسایل الشیعه. قم: آل‌البیت (ع).^۱

۱۴. حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). نورالثقلین (چاپ چهارم). قم: اسماعیلیان.

۱۵. خمینی، روح‌الله. (بی تا). تحریر الوسیله. قم: دارالعلم.

۱۶. راغب اصفهانی، حسین. (۱۳۸۳). مفردات الفاظ قرآن (چاپ چهارم). قم: ذوی القربی.

۱۷. رشید، خسرو و حسنونند، فضل‌الله و رشتی، عابده. (۱۳۹۸). بررسی عوامل برون فردی مؤثر

بر طلاق عاطفی در میان زنان. مطالعات زن و خانواده، (۱)۷، صص ۱۱۷-۱۳۷.

۱۸. روشنی، شهره؛ غروی نائینی، نهله و باستانی، سوسن. (۱۳۹۴). تجربه احساس آرامش در زنان در زندگی زناشویی. مجله مطالعات زنان و خانواده، ۳(۶)، صص ۶۱-۸۹.
۱۹. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف (چاپ سوم). بیروت: دارالکتاب العربی.
۲۰. سبزواری، محمد. (۱۴۱۹ق). ارشاد الازدهان الی تفسیر القرآن. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۲۱. ستار، پروین؛ داودی، مریم و محمدی، فریرز. (۱۳۹۱). عوامل جامعه‌شناختی موثر در طلاق عاطفی بین خانواده‌های تهرانی. مجله مطالعات راهبردی زنان، ۱۴(۵۶)، صص ۱۱۹-۱۵۴.
۲۲. شبر، عبدالله. (۱۴۱۰ق). تفسیر القرآن الکریم (چاپ دوم). قم: دارالهجره.
۲۳. شرف‌الدین، حسین. (۱۳۸۶). تحلیلی اجتماعی از صله رحم (چاپ دوم). قم: بوستان کتاب.
۲۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۶۲). الخصال. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. قم: انتشارات اسلامی.
۲۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن (مترجم: محمدباقرموسوی، چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم). تهران: انتشارات ناصرخسرو.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). الثبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۳۰. فاتحی‌زاده مریم‌السادات؛ بهجتی اردکان، فاطمه و نصرآصفهانی، احمدرضا. (۱۳۸۴). بررسی تاثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد. مجله مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، (۲۱)، صص ۱۱۷-۱۳۶.
۳۱. فولادیان، مجید؛ شجاعی قلعه‌نی، مینا. (۱۳۹۹). مطالعه جامعه‌شناختی فرایندهای وقوع طلاق. خانواده‌پژوهی، (۶۲)، صص ۲۵۷-۲۳۱.
۳۲. قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث (چاپ سوم). تهران: بنیاد بعثت.
۳۳. کراچکی، محمد بن علی. (۱۴۱۰ق). کنز الفوائد. قم: دارالذخائر.

۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). اصول کافی (چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار (چاپ دوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). مجموعه آثار. قم: صدرا.
۳۷. معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۶ق). تلخیص التمهید (چاپ دوم). قم: انتشارات اسلامی.
۳۸. مغنیه، محمدجواد. (بی تا). التفسیر المبین. قم: بنیاد بعثت.
۳۹. مقدس پور، علی. (۱۳۵۲). روان‌شناسی اجتماعی. اصفهان: مشعل.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (چاپ نهم). قم: دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهرالکلام (چاپ هفتم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۲. نوق بهرمان علیزاده، فاطمه. (۱۳۹۹). عوامل اثرگذار بر طلاق عاطفی و دلزدگی زناشویی زوجین. رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی، (۳)، صص ۱۱۹-۱۳۷.
۴۳. نیازی، محسنه؛ افرا، هادی و میری، سمیه. (۱۳۹۹). فراتحلیل مطالعات انجام شده پیرامون عوامل موثر بر طلاق عاطفی در جامعه ایران. تغییرات اجتماعی - فرهنگی، ۱۷(۶۴)، صص ۱۸۵ - ۲۰۱.
۴۴. هاشمی شاهرودی، محمود و دیگران. (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق اهل بیت علیهم السلام. قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.

References

- * The Holy Quran.
- * Nahj al-Balaghah.
- 1. Akbari, M. (1388 AP). *Life Skills*. Qom: Fatian Publications. [In Persian]
- 2. Ansarian, H. (1386 AP). *The Family System in Islam*. (26th ed.). Qom: Umme Abiha. [In Persian]
- 3. Anwari, H. (1381 AP). *Dictionary of Sokhan*. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- 4. Bostan (Najafi). H. (1387 AP). *Islam and the Sociology of the Family*. Qom: Research Institute for Hawzah and University. [In Persian]
- 5. Bukharaei, A. (1386 AP). *Sociology of Silent Lives in Iran*. Tehran: Pejwak Jame'e. [In Persian]
- 6. Fatehinejad, M., & Behjati Ardakan, F., & Nasr Esfahani, A. R. (1384 AP). An Examination of the effect of family factors on the low divorce rate in Yazd, Ardakan and Meybod. *Journal of Educational Studies and Psychology*, (21), pp. 117-136. [In Persian]
- 7. Fooladian, M., & Shojaee Qal'e Ney, M. (1399 AP). Sociological study of divorce processes. *Journal of Family Studies*, (62), pp. 231-257. [In Persian]
- 8. Har'amli, M. (1409 AH). *Wasa'il al-Shia*. Qom: Alulbayt. [In Arabic]
- 9. Hashemi Shahroudi, M. et al. (1426 AH). *Dictionary of jurisprudence according to Ahl al-Bayt*. Qom: Encyclopedia of Islamic Jurisprudence Institute. [In Arabic]
- 10. Howeizi, A. (1415 AH). *Noor al-Thaqalain*. (4th ed.). Qom: Esmaeilian. [In Arabic]
- 11. Ibn Manzour. (1426 AH). *Lisan al-Arab*. Beirut: Mu'asisah al-A'alami. [In Arabic]
- 12. Javadi Amoli, A. (1378 AP). *Woman in the mirror of glory and beauty*. Qom: Dar al-Hadi. [In Persian]
- 13. Karajuki, M. (1410 AH). *Kanz al-Fawa'id*. Qom: Dar al-Zakha'ir. [In Arabic]
- 14. Khomeini, R. (n.d.). *Tahrir al-Wasilah*. Qom: Dar al-Ilm.
- 15. Koleyni, M. (1407 AH). *Usul Kafi*. (4th ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]

16. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar*. (2nd ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
17. Makarem Shirazi, N. et al. (1371 AP). *Tafsir Nemouneh*. (9th ed.). Qom: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Persian]
18. Marefat, M. H. (1416 AH). *Talkhis al-Tamhid*. (2nd ed.). Qom: Islamic Publications. [In Arabic]
19. Motahari, M. (1372 AP). *Collection of works*. Qom: Sadra. [In Persian]
20. Mughniyeh, M. J. (n.d.). *Al-Tafsir al-Mubin*. Qom: Besat Foundation.
21. Muqaddaspour, A. (1352 AP). *Social Psychology*. Isfahan: Mash'al. [In Persian]
22. Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam*. (7th ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
23. Niazi, M., & Afra, H., & Miri, S. (1399 AP). Meta-analysis of studies on the factors affecting emotional divorce in Iranian society. *Journal of Socio-cultural changes*, 17(64), pp. 185-201. [In Persian]
24. Nogh Bahrman Alizadeh, F. (1399 AP). Factors affecting emotional divorce and marital boredom of couples. *Journal of New Approaches in Islamic Studies*, (3), pp. 119-137. [In Persian]
25. Parto, A. (1377 AP). Word finder; Persian equivalent dictionary of foreign words. Tehran: Asatir. [In Persian]
26. Payende, A. (1354 AP). *Nahj al-Fasaha*. (9th ed.). Tehran: Javidan. [In Persian]
27. Qorashi, S. A. A. (1377 AP). *Tafsir Ahsan al-Hadith*. (3rd ed.). Tehran: Besat Foundation. [In Persian]
28. Ragheb Isfahani, H. (1383 AP). *Mufradat Alfaz Qur'an*. (4th ed.). Qom: Zawe al-Qurba. [In Persian]
29. Rashid, K., & Hassanvand, F., & Rashti, A. (1398 AP). A Study of extrapersonal factors affecting emotional divorce among women. *Women and Family Studies*, 7(1), pp. 117-137. [In Persian]
30. Roshani, S., & Gharavi Naeni, N., & Bastani, S. (1394 AP). The Experience of the feeling of peace in women in married life. *Journal of Women and Family Studies*, 3(6), pp. 61-89. [In Persian]

31. Sabzevari, M. (1419 AH). *Irshad al-Adhan ila Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ta'arof al-Matbu'at. [In Arabic]
32. Saduq, M. (1362 AP). *al-Khisal*. Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
33. Saduq, M. (1413 AH). *Man la Yahzar al-Faqih*. Qom: Islamic Publications. [In Arabic]
34. Sattar, P., & Davoodi, M., & Mohammadi, F. (1391 AP). Sociological factors affecting emotional divorce between Tehran families. *Journal of Women's Strategic Studies*, 14(56), pp. 119-154. [In Persian]
35. Sharafuddin, H. (1386 AP). *A Social Analysis of Seleh Rahem*. (2nd ed.). Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
36. Shobar, A. (1410 AH). *Tafsir al-Qur'an al-Karim*. (2nd ed.). Qom: Dar al-Hijra. [In Arabic]
37. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. (3rd ed.). Tehran: Naser Khosrow Publications. [In Persian]
38. Tabatabaei, S. M. H. (1374 AP). *al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. (Mousavi, M. B, Trans.). (5th ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
39. Tabatabaei, S. M. H. (1417 AH). *al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. (5th ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
40. Tabrizi, M. (1385 AP). *Descriptive culture of family and family therapy*. Tehran: Fararavan. [In Persian]
41. Tajdini, A. (1375 AP). *Memorabilia Anecdotes from Allameh Tabatabaei*. Tehran: Payam Noor. [In Persian]
42. Turkaman, F., & EScafi, M., & Eidgahian, N., & Sohrabi, I. (1393 AP). Homogeneity of intimacy and emotional divorce using network analysis software. *Journal of Socio-Cultural Knowledge*, (21), pp. 25-50. [In Persian]
43. Tusi, M. (n.d.). *al-Tebyan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi.
44. Zamakhshari, M. (1407 AH). *Al-Kashaf*. (3rd ed.). Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi. [In Arabic]